

چکیده مقاله :

شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی و بیانات رهبر معظم انقلاب در خصوص نگاه به وی به عنوان يك مکتب، سرآغاز رواج عبارت مکتب شهید سلیمانی شد. واژه مکتب از جمله مفاهیمی است که کاربردهای وسیعی در ادبیات علمی و دینی داشته و تعاریف مختلفی نیز در خصوص آن بیان شده است .

در این مقاله برآنیم تا مولفه های شخصیتی این مجاهد خستگی ناپذیر را در حد و اندازه یک مکتب مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم و آنچه که وی را تا این درجه از اعتبار رسانده است بررسی کنیم .

کلید واژه ها : سلیمانی – مکتب – مولفه های شخصیتی - مدیریت جهادی

مقدمه :

سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی یک فرمانده انقلابی و مجاهد بود که ابعاد مختلف حیات فردی و مدیریتی وی می تواند به عنوان بهترین الگوی جوانان در عصر حاضر مورد توجه و مذاقه قرار گیرد . بی جهت نبود که رهبر فرزانه انقلاب اسلامی ، در خصوص این مرد بزرگ فرمودند: او یک «مکتب و مدرسه و راه» بود . به راستی چه فرآیندی در زندگی یک انسان طی میشود که او را در قامت یک مکتب، جلوه میدهد؟ چه اتفاقاتی رخ میدهد که یک انسان به تنهایی یک مدرسه درس آموز میگردد؟

بدیهی است هرگاه انسان از مدار فردیت خویش خارج گردد و به چیزی جز رضایت ذات اقدس الهی نیندیشد و سعه وجودی او آنقدر گسترش یابد که بر نفوس انسانها تأثیری قابل توجه در مسیر کمال بگذارد او در واقع تبدیل به یک مکتب شده است. و سردار دلها و قاسم عزیز ملت های آگاه و آزاده این چنین بود.

توصیف شهید سلیمانی به مکتب، او را از حیثیت فرد بودن و شخص بودن خارج می کند و در حوزه «شخصیت» وارد می سازد. او شخص نیست بلکه «مرام و عقیده و مسلک» است. وقتی صحبت از مکتب می شود، در واقع سخن از «پیام و محتوا» به میان می آید. چراکه مکتب، جنبه نظری و تئوریک دارد. افکار و رفتار سردار شهید قاسم سلیمانی، حاوی پیام و نظریه است که درون آن قضایا و گزاره های قابل توجه قرار دارد .

سه عنصر ولایت پذیری در تصمیم گیریهای کلان ، عقلانیت در حوزه سیاست داخلی و مقاومت در عرصه سیاست خارجی ، از ویژگیهای بارز شخصیتی این مجاهد راه انقلاب اسلامی است که تنها در معدود شخصیت های تاریخ اسلام مشاهده میشود . اگر نگاهی گذرا به تاریخ پرفراز و نشیب اسلام بیندازیم از زمان ظهور اسلام توسط پیامبر عظیم الشان حضرت محمد (ص) تا بروز انقلاب اسلامی و تجدید دوباره حیات اسلام ، اندک کسانی بودند که با وجود دارا بودن توانایی های فردی و شخصیتی بارز در زمینه های مختلف ، تابع محض اوامر ولی امر زمان خود یعنی پیامبر عظیم الشان اسلام و ائمه هدی بودند و سردار قاسم سلیمانی در روزگار ما با توجه به خصوصیت های بارز فردی و مدیریتی همطراز با این شخصیت های ولایی صدر اسلام قرار میگیرد .

مکتب مجموعه ای از بایدها و نبایدهاست که هم نیاز انسان را به جهان بینی مرتفع میکند و هم یک نظام ارزشی برای زیستن و چگونگی زیستن ارائه میدهد. در واقع مکتب مجموعه جهان بینی و ایدئولوژی یک انسان میباشد .

استاد شهید مطهری در تعریف مکتب می گوید: یک تئوری کلی و یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم است که هدف اصلی آن کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن خطوط اصلی و روشها، باید ها و نبایدها، خوبها و بدها، هدفها و وسیله ها، نیازها و دردها و درمانها، مسئولیتها و تکلیفها مشخص است و منبع الهام تکلیفها و مسئولیتها برای همه افراد می باشد . (مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، ص 54- 46)

بدیهی است از میان انواع مکاتبی که در نسله های مختلف فکری وجود دارد ، اعم از مکاتب غربی و شرقی و همچنین مکتب اسلام و اهل بیت و بطور خاص مکتب انقلاب اسلامی و امام راحل(ره) ، آنچه که مد نظر رهبر معظم انقلاب اسلامی در مورد سردار شهید سلیمانی بوده است مکتب اهل بیت عصمت و طهارت و بطور اخص مکتب غنی انقلاب اسلامی و امام راحل است که با توجه به شخصیت فردی و انقلابی این مجاهد راه حق ، مقام معظم رهبری از وی بعنوان مکتب یاد کرده است .

ویژگیهای مکتب انقلاب اسلامی و خمینی کبیر (ره) :

بدون تردید نام امام خمینی(ره) با تاریخ معاصر جهان آمیخته و به ویژه برای مسلمانان نامی آشنا و محبوب است. امام خمینی مرد قرن و احیاگر میراث عظیم اسلامی در جهان امروز است . امام خمینی(س) راه و جهان بینی جدیدی را برای انسان امروز ارائه کرده و به جهان بی روح و بی معنویت عصر حاضر ، روح و معنویت شایانی بخشیده است و توانسته خود را به عنوان یک مکتب به جهانیان عرضه کند .

رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره اهمیت مکتب امام خمینی (ره) معتقد است :

((راز موفقیت امام در مکتبی است که عرضه کرد و توانست آن را به طور مجسم و به صورت یک نظام، در مقابل چشم مردم جهان قرار دهد. البته انقلاب عظیم اسلامی ما به دست مردم به پیروزی رسید و ملت ایران عمق توانایی ها و ظرفیت فراوان خود را نشان داد؛ اما این ملت بدون امام و مکتب سیاسی او قادر به چنین کار بزرگی نبود. مکتب سیاسی امام میدانی را باز می کند که گستره آن حتی از تشکیل نظام اسلامی هم وسیع تر است. مکتب سیاسی پی که امام آن را مطرح و برای آن مجاهدت کرد و آن را تجسم و عینیت بخشید، برای بشریت و برای دنیا حرف تازه دارد و راه تازه پیشنهاد می کند. چیزهایی در این مکتب وجود دارد که بشریت تشنه ی آنهاست؛ لذا کهنه نمی شود. کسانی که سعی می کنند امام بزرگوار ما را به عنوان یک شخصیت متعلق به تاریخ و متعلق به گذشته معرفی کنند، در تلاش خود موفق نخواهند شد. امام در مکتب سیاسی خود زنده است، و تا این مکتب سیاسی زنده است، حضور و وجود امام در میان امت اسلامی، بلکه در میان بشریت، منشأ آثار بزرگ و ماندگار است.))

مهمترین ویژگیهای مکتب امام راحل (ره) عبارتست از :

الف) همگامی سیاست و معنویت :

در مکتب سیاسی امام، معنویت با سیاست درهم تنیده است. در مکتب سیاسی امام، معنویت از سیاست جدا نیست. سیاست و عرفان، سیاست و اخلاق. امام که تجسم مکتب سیاسی خود بود، سیاست و معنویت را باهم داشت و همین را دنبال می کرد. حتی در مبارزات سیاسی، کانون اصلی در رفتار امام معنویت او بود. همه رفتارها و همه مواضع امام حول محور خدا و معنویت دور می زد. امام به اراده تشریعی پروردگار اعتقاد و به اراده تکوینی او اعتماد داشت و می دانست کسی که در راه تحقق شریعت الهی حرکت می کند، قوانین و سنتهای آفرینش کمک کار اوست. حرکت امام برای سعادت کشور و ملت، بر مبنای هدایت شریعت اسلامی بود. لذا «تکلیف الهی» برای امام کلید سعادت به حساب می آمد و او را به هدفهای بزرگ آرمانی خود می رساند. اینکه از قول امام معروف است و همه می دانیم که گفته بودند «ما برای تکلیف عمل می کنیم، نه برای پیروزی»، به معنای بی رغبتی ایشان به پیروزی نبود. بدون تردید پیروزی در همه هدفهای بزرگ، آرزوی امام بود. پیروزی جزو نعمتهای خداست و امام به پیروزی علاقه مند بود . اما آنچه او را به سوی آن هدفها پیش می برد، تکلیف و عمل به وظیفه الهی بود. برای خدا حرکت کردن بود. چون انگیزه او این بود، لذا نمی ترسید. شک نمیکرد. مأیوس نمی شد. مغرور نمی شد . متزلزل و خسته هم نمی شد.

با نگاهی به منش و روش سردار دلها شهید حاج قاسم سلیمانی به این نکته می رسیم که این شهید بزرگوار نیز در عمل به ماموریتهای محوله دائما عمل به تکلیف را سرلوحه کار خود قرار داده و در این میان شریعت الهی و تکلیف شرعی را کاملاً مد نظر قرار می داده است . مقام معظم رهبری در این باره معتقدند : ((هم یک فرمانده جنگاور مسلط بر عرصه نظامی بود ، هم

در عین حال به شدت مراقب حدود شرعی بود. در میدان جنگ، گاهی افراد حدود الهی را فراموش میکنند، میگویند وقت این حرفها نیست. او نه، او مراقب بود. آنجایی که نباید سلاح به کار نمی برد. مراقب بود که به کسی تعدی نشود. ظلم نشود ((
18/10/99

ب) عقلانیت دینی در مکتب امام راحل(ره):

امام خمینی(ره) شاگرد برجسته مکتب قرآن و عترت، هم عالم اخلاقی بزرگی بود و هم عنصر عقل و خرد را در وجود خود رشد داده بود و هم نگاهی عقلانی به اسلام داشت. به عبارتی دیگر اسلامی که او شناخت و با قلم و بیان توانای خود در کتب اخلاقی خود و درس های اخلاق مطرح می کرد، اسلامی اخلاقی و عقلانی بوده است. شناختن و شناساندن معارف و حقایق اسلام و تعالیم نبوی با دو شاخصه عقلانیت و اخلاق، مسوولیت مهمی است که بر دوش عالمان و دانشوران نهاده شده است. حضرت امام خمینی (ره)، ضمن اعتقاد به صلاحیت عقل، جهت فهم و ادراک نصوص دینی، توانایی استنباط و استخراج تکالیف دینی از متون دین را دارد. در نتیجه ایشان معتقدند که عقل همچنان که به عنوان «ابزار شناخت» می تواند راهگشای فهم و ادراک باشد، می تواند خود نیز به عنوان «منبع» معرفتی مهم در کنار کتاب و سنت قرار گیرد.

رفتار ها و منشهای سردار دلها حاج قاسم سلیمانی که شاگرد مکتب امام راحل است نیز سراسر لیریز از عقلانیت و بخصوص عقلانیت دینی است.

دارا بودن صفای باطن و مهربانی و لطافت روحی در کنار صلابت و حماسه سازی که ایشان در میدان جنگ نسبت به دشمنان داشت، ترکیب زیبایی می آفریند. اگر سردار مهربان بود، بر اساس یک خصلت شخصیتی فردی نبود، بلکه عقلانیت دینی ایجاب می کرد که مهربان باشد و خدمت بکند. اگر ایشان نمی ترسید، به خاطر عقلانیت دینی است که انجام کار را به دست خدا می داند. اگر شهید سلیمانی مذاکره کننده قوی در دیپلماسی بود، به خاطر عقلانیتی است که از دین پیدا کرده بود که باید مذاکره کننده قوی باشد. در مکتب حاج قاسم سلیمانی عقلانیت حرف اول را می زند و اگر این مکتب زیبایی هایی دارد، به دلیل زیبایی عقلانیت و حکمت است. مکتب حاج قاسم سلیمانی سرشار از عقلانیت است، و اگر سردار سلیمانی مقاومت می کرد، چون می دانست هزینه مقاومت کمتر از سازش است. این یک گزاره عقلانی است، اگر مقابل آمریکایی ها قدرتمندانه نیروها را بسیج می کرد و موفق می شد، به خاطر عقلانیتی بود که به ایشان می گوید دشمن ضعیف است و کدخدا نیست. سردار سلیمانی که به ظاهر، یک سرباز میدان نبرد سخت بود، نه ردای عالمان دین بر تن داشت و نه مدعی علم بود اما به عنوان یک انسان دین دار، شکلی از کنش را به نمایش گذاشت که هم عاقلانه بود، هم فوق العاده انسانی بود و در عین حال با آنچه در دست مدعیان علم بود، تفاوت داشت. او در صحنه های نبرد، دست بالاتر را داشت و هر جا پا می گذاشت، دشمنی را که علی القاعده به آخرین دستوردهای علمی متکلی بود، زمین گیر می کرد. به تعبیر دقیق تر، منش و رفتار او، در همه عرصه ها، از عقلانیت خاصی نشأت می گرفت که او را تا این اندازه کارآمد ساخته بود. درواقع، او حاصل عقلانیتی مبتنی بر ایمان بود و از همین جهت با عقلانیت های مبتنی بر کفر یا درجه ای ضعیف تر از ایمان، متفاوت و فراتر از آنها بود. رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز درباره این خصوصیت بارز سردار سلیمانی می فرماید: ((شهید سلیمانی، هم شجاع بود، هم با تدبیر بود. بعضی ها شجاعت دارند اما تدبیر و عقل لازم برای به کار بردن این شجاعت را ندارند. بعضی ها اهل تدبیرند و اهل اقدام و عمل نیستند، دل و جگر کار را ندارند. این شهید عزیز ما هم دل و جگر داشت هم با تدبیر بود. ۹۸/۱۰/۱۸))

ج) جایگاه ولایت و ولایتمداری در مکتب امام راحل(ره):

در اندیشه و آثار عمیق و لطیف عرفانی سیاسی امام خمینی و مباحث و بیانات مقام معظم رهبری گستره وسیع مفهومی ولایت از قلّه عرفان تا دامنه سیاست مشاهده می شود. ولایت محوری در اندیشه امام و رهبری بدین معناست که کلیه برنامه ها، سیستم و مجریان و مردم جامعه اسلامی تحت اشراف و دستورات یا سیره معصومان باشند و سیاستگذاری ها با هدف گذاری آنان هماهنگ شود و تمام فعالیت های خود را با اساس دین یعنی پیامبر و معصومان علیهم السلام پیوند زنند. گسترش فرهنگ دینی با سرمشق گرفتن از سیره اخلاقی معصومین برجسته ترین نشانه ولایت محوری جامعه ای است که با پرهیز از ناهنجاری های اجتماعی و اخلاقی به سالم سازی جامعه و نهادینه کردن هنجارها و ارزش های دینی می اندیشد.

ولایت مداری و ولایت پذیری از ویژگی های بارز سردار شهید حاج قاسم سلیمانی نیز بود. سپاهیان انقلاب اسلامی حافظان و نگهبانان دستوردهای عظیم انقلاب اسلامی هستند. از این رو شایسته است که خود به فضیلت های ولایتمداری آراسته باشند. و اولین قدم آن، معرفت شناسی ولایت است. یعنی از نظر اعتقادی همه چیز را تحت قدرت الهی بدانند و همه اشیاء و حقایق را شانی از شئون خداوند ببینند. از نگاه امام و رهبری مملکت ایران و نظام جمهوری اسلامی متعلق به ائمه معصومین است و نیروهای مسلح خصوصاً سپاه که رهپویان راه سرخ حسینی هستند لشکریان امام زمان (عج) محسوب می شوند و حاج قاسم سلیمانی نمونه بارز این سرباز ولایتمدار انقلاب بود. اینکه ایشان ذره ای از ولایتمداری کوتاه نمی آمد، به این معنا بود که با این کار به ولایتمداری عزت می داد و میزان و شاخص ولایتمداری را برای جامعه تعیین می کرد تا هر کسی میزان ولایتمداری خودش را با مکتب و جامعیت ایشان مقایسه کند و متوجه نقص هایش بشود.

حاج قاسم سلیمانی در مراسم سالگرد شهادت شهید حسن اسدی درباره مقام معظم رهبری گفت: «قوام ایران اسلامی و بقای آن به رهبریت آن است. مردم از من قبول کنید من عضو هیچ حزب و جناحی نیستم و به هیچ طرفی جز کسی که خدمت می کند به اسلام و انقلاب تمایل ندارم. اما این را بدانید والله علمای شیعه را تماماً و از نزدیک می شناسم. الان ۱۴ سال شغل من همین است. علمای لبنان را می شناسم. علمای پاکستان را می شناسم. علمای حوزه خلیج فارس را می شناسم. چه شیعه و چه سنی والله، اشهد بالله، سرآمد همه این روحانیت، این علما از مراجع ایران و مراجع غیر ایران، این مرد بزرگ تاریخ یعنی آیت الله العظمی خامنه ای است.»

د) جایگاه مدیریت جهادی در مکتب امام راحل (ره) :

با گذشت بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، تبیین مدیریت جهادی با تکیه بر ارزش ها و اعتقادات معنوی و خط و مشی امام راحل، یکی از ضرورت های انقلاب اسلامی عنوان می شود. گفتمان مدیریت جهادی که یکی از مفاهیم کلیدی مکتب امام راحل می باشد، یکی از گفتمانهای فراموش شده در مدیریت کنونی اجرایی کشور است. هرچند این گفتمان در دهه اول انقلاب از سوی نسل جنگ و نخبگان کلیدی مؤسس انقلاب هنوز هم دنبال شده ولی مجالی برای آن در راهبردهای کلان کشوری در نظر گرفته نشده است. افزون بر اینکه جریان فوق پس از جنگ موفق به ورود به عرصه های جدی سیاسی و مدیریتی کلان کشوری نشده و از قافله گفتمان های قدرت گرا حذف شدند. مدیریت جهادی امام در قاموس راهبردی کلان می تواند در کنار مدیریتهای سنتی و مدرن، مسیر سوم مدیریت نو در ایران جدید را دنبال کند. این واژگان و زبان نو، بازگشت به عقب نیست بلکه بازیابی مسیری جدید در پوشش های سیاسی جاری در ایران امروز است. البته قابل توجه آنکه ادبیات امام (ره) در امور اجرایی و اقتصادی کشور قابلیت نگاهی نو و منطقی جدید را طلب می کند که احیای آن نوعی «بیداری مدیریتی» در امور جاری کشور است. این بیداری جدید، احیای تفکری خاک خورده است نه تفکری مطرود و جا مانده از روندهای مدرن.

الگوی مدیریتی و سازمانی مطلوب برای مدل تمدنی در افق انقلاب اسلامی، مبتنی بر ارزشهای الهی است. به عقیده بسیاری از کارشناسان، مدیریت جهادی، حرکت، تلاش و مبارزه ای است که باانگیزه الهی، توأم با درایت و تدبیر، با عزمی راسخ و مجاهدانه برای رهایی از چالش ها و مشکلات (درونی و بیرونی) در رشد و توسعه همه جانبه کشور صورت می گیرد. در دوران دفاع مقدس حماسه های بی نظیر و ماندگار دیده شد و مقام معظم رهبری بارها از آن به عنوان الگوی مدیریت جهادی مؤثر برای حل مشکلات کشور نام برده اند. براین اساس سردار شهید حاج قاسم سلیمانی نمونه بدیع و بارز این نوع مدیریت در کشور است که در عرصه های مختلف و میدانهای زیاد، با بکارگیری چنین مدیریتی سربلند و موفق بود. تشکیل نیروهای مقاومت در منطقه، آموزش نیروهای مردمی در عراق و سوریه و تقسیم راهبردی و سرزمینی آنها، طراحی عملیات های مؤثر برای آزادسازی مناطق اشغالی، تبدیل شدن به بازیگر اصلی در ژئوپلیتیک منطقه و بسیاری دیگر از مسائل از سردار سلیمانی مدیری توانمند و عملگرا و جهادی ساخت که در کمتر افرادی این نوع مدیریت قابل مشاهده است. از سویی دیگر محتوای وصیت نامه این شهید والامقام را می توان سند و بیانیه تفکر راهبردی مدیران جهادی دانست. مفاهیمی همچون دین مداری، ولایت مداری، فرهنگ شهادت طلبی، وحدت گرایی اسلامی، حکمرانی خدامحورانه و اقتدار نظامی و دفاعی از جمله عناصر راهبردی مدیران جهادی است که در وصیتنامه این شهید بزرگوار بسیار نمایان است. بدیهی است که این تفکر با مکتب امام راحل سنخیت کامل داشته و این خصوصیات در جای جای سخنان و آثار امام (ره) نیز کاملاً نمایان است.

ه) خدامحوری و اخلاص در عمل :

یکی از بارزترین ویژگیهای مکتب امام راحل (ره) خدامحوری و کار برای خداوند متعال و در جهت رضایت باری تعالی بود. به همین منظور خداوند متعال همانطوریکه در قرآن کریم وعده داده است در شرایط بسیار سخت ایشانرا یاری مینمود. او مخلصانه در راه خدا تلاش نمود و خداوند هم راه های برون رفت از مشکلات را به نحو احسن برایش نشان داد و به زیباترین صورت به سوی هدف و الایش هدایت نمود. او با تمام وجود خود را وقف ترویج مکتب توحید کرد و خداوند هم طبق وعده اشدتر تمام عرصه ها همراهی اش نمود. اخلاص ارزشمندترین سرمایه حضرت امام خمینی (ره) در طول زندگیش بود که در پرتو آن توانست جهان معاصر را تحت تاثیر قرار داده و عظیم ترین رخداد معنوی، سیاسی و فرهنگی را در قرن حاضر رقم بزند. سرمایه اخلاص چنان نیرویی به ایشان بخشیده بود که دل های مشتاق کمال، مجذوب او شدند و با تبعیت از آن یگانه دوران، مسیر خود را تغییر داده و راه سعادت را انتخاب کردند. شبها و روزهای عمر گرانمایه امام، گواه گریه های عارفانه، خضوع و شب زنده داریهای ایشان در برابر خدای بزرگ و انس او با قرآن و دعا و نوافل است؛ ولی هیچ گاه و حتی برای یک مورد هم نه دیده و نه شنیده شده که امام، خویشتن را بستانند و به صراحت یا به کنایه، گوشه ای از آنچه بر ایشان از سختیها و مرارتها در سیر و سلوک معنوی شان گذشته، سخنی به میان آورند و علاوه بر آن، موفقیتها و موقعیتهای ظاهری را هم برای خود نمی دیدند. مثلاً جایی بدین مضمون می فرمایند: رهبر من آن کودک دوازده ساله است. و یا زمانی که مردم شعار می دادند که:

توطئه چپ و راست، کوبنده اش روح الله است. امام فرمودند: کوبنده اش شما هستید، نه روح الله. امام، خویشتن را چنان محو و فانی در خدا می سازند که گویی اصلاً نقشی در انقلاب به عهده نداشته اند.

شاگرد مکتب چنین پیشوایی نیز همچون خودش بسیار در کارها خدا را مد نظر داشته و اخلاصش در عمل بر همگان واضح و میرهن است و اگر این اخلاص و این کارکردن برای خدا نبود قطعاً این موفقیتها به دست نمی آمد. در واقع خداوند متعال به خاطر چنین اخلاصی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی را محبوب دلها کرده بود. رهبر انقلاب اسلامی بارها و بارها، او را با صفت «اخلاص» معرفی کرده اند. به عنوان نمونه در دیدار با خانواده سردار فرمودند: «می بینید مردم چه کار دارند میکنند برای حاج قاسم؛ این برای شما تسلاً است... بدانید که مردم قدر پدر شما را دانستند و این ناشی از اخلاص است؛ این اخلاص است. اگر اخلاص نباشد، این جور دلهای مردم متوجه نمیشود؛ دلها دست خدا است؛ این که دلها این جور همه متوجه میشوند، نشان دهنده این است که یک اخلاص بزرگی در آن مرد وجود داشت». 98/13/10

انسانی که بنا شد محور رفتاری او در همه زندگی و همه شئون، خدا باشد، برای خدا کار کند، برای خدا مجاهده کند، تمام ظرفیت خودش را در پای عبادت و بندگی خدا بریزد و در پای خدمت به ذات مقدس حق و خدمت به دین و خلق خدا باشد، به شکل یک شخصیت جریانی و یک تابلوی شفاف که عنوان مکتب بر او صادق است، درمی آید.

(و) مردم مداری و مردم باوری :

حضرت امام خمینی (ره) از جمله فقیهان نواندیش معتقد به حقوق سیاسی مردم و از حامیان دخالت و مشارکت عموم در عرصه زندگی سیاسی است که نظارت همگانی بر حکومت را حقی شرعی دانسته و آن را به رسمیت می شناختند. این اعتقاد در دوران مبارزه سیاسی امام خمینی (ره) قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از پیروزی و استقرار جمهوری اسلامی پابرجا باقی ماند. حضرت امام (ره) معتقد بودند که حکومت در همه مراتب خود، متکی به آرای مردم و تحت نظارت و ارزیابی و انتقاد عمومی خواهد بود. به نظر امام (ره) آگاهی مردم و مشارکت و نظارت و همگامی آنها با حکومت منتخب خودشان، خود بزرگترین ضمانت حفظ امنیت در جامعه خواهد بود. (صحیفه امام، ج ۴، مصاحبه با خبرگزاری رویترز، محتوای سیاسی و اجتماعی حکومت، ص 160)

امام همواره بر این تأکید داشتند که مردم، عامل پیروزی نهضت بودند و عنصر مهم بقای نهضت نیز مردم هستند. ایشان در این باره می فرمایند: ملت بود که این نهضت را به پیش برد و ملت است که باید از این به بعد نیز به پیش ببرد. در نگرش امام، قدرت ملت، بزرگترین قدرت شناخته شده است و پیروزی، در قدرت همین ملت ارزیابی می شود.

امام از این ملت با ویژگی های منحصر بفرد خود، تجلیل نموده و کارایی آن را در صحنه های مختلف صد در صد صحیح معرفی می کند: «انصافاً از اول انقلاب تا حالا آن که کار خودش را صد در صد صحیح انجام داد ملت بود» (صحیفه امام 1378 ج 15: 122)

ایشان همچنین می فرماید: ما هر چه داریم از این ملت است البته ملت اسلامی که با فریاد الله اکبر این کار را انجام دادند (صحیفه امام 1378 ج 13: 196). بنابراین در نگرش امام، ملت و مردمی که با شعار الله اکبر به میدان بیایند، ارزش خدمتگزاری دارند. به نظر ایشان انقلاب عظیم اسلامی را همین ملت با انگیزه الهی به وجود آوردند. امام خمینی با این نگرش، خود را خدمتگزار ملت می داند و مردمی بودن مسئولان و مدیران را ضمانتی برای تداوم حرکت و نهضت اسلامی به حساب می آورد. این مفروضات، امام را بر آن داشت که فرضیه مردمی بودن رهبر و مدیران را ارائه دهد و درک خدمتگزاری مدیران از سوی مردم را مهمترین استراتژی در ثبات سیاسی و توسعه کشور تلقی نماید. شهید والامقام حاج قاسم سلیمانی نیز با تاسی از پیرمراد خود امام راحل، سمبل مردم داری و مردم مداری بود بطوریکه همه نگاه سردار دلها در تمام عرصه های کشور و حتی جهان، خدمت به مردم بوده است. سردار سلیمانی مجاهدی شجاع و در برابر مردم و خانواده شهدا بسیار فروتن بود. وی انسانی حزبی و گروه گرا نبود بلکه همه مردم را دوست می داشت. خط قرمزهای سردار مربوط به اخلاقیاتی همچون تقوا و انسانیت بود. وی تبلور مردی بود که بر خلاف بسیاری دیگر، تمایلی به وسوسه های سیاسی یا طرفداری از یک جناح خاص پیدا نکرد و سرمایه ای متعلق به همه ملت ایران بود؛ چنانکه در وصیت نامه اش به سیاسیون کشور توصیه می کند: «در دوره حکومت و حاکمیت خود در هر مسئولیتی، احترام به مردم و خدمت به آنان را عبادت بدانند و خود، خدمتگزار واقعی [و] توسعه گر ارزش ها باشند، نه با توجیهات واهی، ارزش ها را بایکوت کنند».

این نگرش مثبت به مردم باعث شد که متقابلاً مردم نیز به معنای واقعی کلمه دوستدار این مرد بزرگ باشند و نمونه بارز آنرا در تشییع باشکوه پیکر این مجاهد فرزانه مشاهده کردیم. تشییع باشکوه پیکر مطهر شهید حاج قاسم سلیمانی نشان داد که مردم همیشه جلوتر از روشنفکران مخالف و مخالفین عاقبت طلب هستند. مردم دارای بصیرت و بینش سیاسی مستحکمی هستند که می توانند سره را از ناسره تشخیص دهند. تشییع و بدرقه ملی و فراملی حاج قاسم نشان داد که فصل تازه ای در سیاست دینی و مردم سالاری دینی جامعه ما ایجاد شده و این فصل نوین را که رهبر معظم انقلاب از آن به «ایام الله» یاد کردند باید به فال نیک بگیریم. و این حجتی برای همه کارگزاران، حوزویان، دانشگاهیان، روشنفکران، مدیران و تمامی مقامات است که مردم حجت

را تمام کردند و مردم گفتند که ما اگر اخلاص، مبارزه، جهاد، مجاهدت و تلاش صادقانه را ببینیم حتماً تعظیم خواهیم کرد و مورد توجه و سپاس ما قرار می گیرد .

ز) انقلابی بودن و انقلابی عمل کردن :

انقلابی عمل کردن به معنای آن است که فرد در روش حل مسایل و مواجهه با فرصت‌ها و تهدیدات به گونه‌ای عمل می‌کند که با اقتضائات «انقلاب» تطبیق می‌کند اقتضاء حرکت انقلابی، سرعت عمل و در همان حال، هوشمندانه است به گونه‌ای که خطرات را از انقلاب دور می‌کند و فرصت‌های جدیدی را برای آن پدید می‌آورد. در واقع در چنین وضعیتی، فرد در منافع انقلاب و هویت آن چنان آمیختگی پیدا کرده است که خودیت خود را در برابر هویت و موجودیت انقلاب به حساب نمی‌آورد.

انقلابی عمل کردن هرگز به معنای توسل به اقدامات غیرقانونی نیست. انقلابی تلاش می‌کند تا نتیجه کاری که می‌کند، تقویت نظام باشد نه اینکه انقلاب را در معرض پرسش قرار دهد. انقلابی عمل کردن به معنای عدم صبوری در برابر مخالف هم نیست انقلابی عمل کردن تناسب زیادی با ارزش‌ها و آرمان‌هایی دارد که در وقت پیدایی انقلاب اسلامی و پس از آن و تا امروز مورد توجه مردم بوده است. این ارزش‌ها چه داخلی باشند و چه خارجی اگر به بهانه‌ها و تحت عناوینی کنار گذاشته شد در واقع انقلاب از درون تهی شده است. استقلال هر کشور یک ضرورت مهم است و انسان انقلابی تلاش می‌کند تا خدشه‌ای به استقلال کشور وارد نشود. امام راحل عظیم‌الشان از جمله کسانی بود که پیوسته همگان را به انقلابی بودن و انقلابی عمل کردن توصیه می‌کردند و هرجایی که مشکلی برای کشور بوجود می‌آمد معتقد بودند که انقلابی عمل نشد و هرجایی هم که انقلابی عمل میشد قطعاً توفیقات گسترده‌ای عاید انقلاب و نظام میشد. امام راحل نمونه بارز شخصیتی بودند که براساس یک سری تفکرات انقلابی مورد پسند آحاد ملت رژیم دست نشانده پهلوی را سرنگون کرد و تا آخرین لحظه عمر شریفش بر سر همین آرمانها ثابت قدم بودند. سردار دلها شهید قاسم سلیمانی نیز نمونه بارز فرد انقلابی و مکتبی‌ای بود که تمام تلاشهایش در داخل و خارج از کشور براساس خط و مشی انقلابیگری بود و لحظه‌ای از آرمانهای انقلابی امام راحل تخطی نکرد. به نظر بسیاری از کارشناسان، دلیل اصلی موفقیت سردار سلیمانی در میادین داخلی و خارجی همین روحیه انقلابی و عمل کردن براساس اندیشه‌های انقلابی امام راحل بوده است.

ح) استکبارستیزی :

در میان آرمان‌ها و اهداف بلند انقلاب اسلامی، استکبارستیزی از جایگاهی محوری برخوردار است به طوری که می‌توان این آرمان را صفت ذات انقلاب و جزو مفاهیم موقوم ماهیت آن قلمداد کرد. یعنی در صورت کنارگذاشتن استکبارستیزی، انقلاب اسلامی بدون تردید دستخوش دگر دیسی هویتی خواهد شد. بررسی نقش و جایگاه آرمان استکبارستیزی در بستر گفتمان انقلاب اسلامی دستورکار اصلی فصل حاضر می‌باشد. امام نسخه استکبارستیزی اسلام را که موجب پیروزی انقلاب اسلامی گردید، منحصر به قلمرو جغرافیایی ایران نمی‌دانست بلکه آن را به عنوان نسخه‌ای شفاف‌بخش برای همه مستضعفان و قابل تحقق در تمامی نقاط جهان تلقی می‌کرد. استکبارستیزی را باید یکی از محوری‌ترین مفاهیم موجود در اندیشه و گفتمان امام خمینی(س) دانست که ردپای آن در قول و فعل ایشان در طول دوران حیاتش آشکارا قابل مشاهده است. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «من بارها گفته‌ام و در این روز بزرگ می‌گویم تا قطع تمام وابستگی‌ها به تمام ابرقدرت‌های شرق و غرب، مبارزات آشتی ناپذیرانه ملت ما علیه مستکبرین ادامه دارد.» صحیفه امام، ج 12، ص 147- 1358/22/11

با نگاهی به اقدامات موثر سردار دلها حاج قاسم سلیمانی به این نکته پی می‌بریم که استکبار ستیزی و مبارزه با استکبار مهمترین شاخصه مکتب این مجاهد راه حق است. سردار سلیمانی راه و مسیری نو در مبارزه با استکبار جهانی به همه جهانیان آموخت. رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره این شاخصه شهید سلیمانی می‌فرماید: «شهید سلیمانی با حرکات خود و بالاخره با شهادت خود -شهادتش هم مکمل این معنا بود- اسم رمز برانگیختگی و بسیج مقاومت در دنیای اسلام شد. الان در دنیای اسلام هر جایی که بنای مقاومت در مقابل زورگویی استکبار را داشته باشند، مظهرشان و اسم رمزشان شهید سلیمانی است. در کشورهای مختلف او را احترام میکنند، تکریم میکنند، عکسش را میزنند، نامش را پخش میکنند، برایش مجلس درست میکنند. در واقع ایشان نرم‌افزار مقاومت را و الگوی مبارزه را به ملتها تعلیم کرد، به ملتها سرایت داد، در ملتها رایج کرد؛ اینها خب نقشهای خیلی مهم و بسیار حساسی است؛ لذاست که ایشان به معنای واقعی کلمه، یک شخصیت برجسته و یک چهره‌ی قهرمانی اسلامی است. شهید سلیمانی، هم در زمان زنده بودنش استکبار را شکست داد، هم با شهادتش شکست داد. اینها ادعا نیست، اینها چیزهایی است که اثبات شده است. در زمان زنده بودنش استکبار را شکست داد، دلیلش اینکه رئیس‌جمهور آمریکا آمد گفت: ما هفت تریلیون دلار خرج کردیم در عراق و هیچ چیز گیرمان نیامد؛ [حتی] مجبور شد شب تاریک بیاید یک وقتی در یک پایگاه آمریکایی در عراق بنشیند و برود. این را همه دنیا قبول کردند که آمریکا در عراق و سوریه - به خصوص در عراق- به مقاصد خودش نرسیده؛ چرا؟ چه کسی در این قضیه فعال بود؟ قهرمان این کار سلیمانی بود. بنابراین در زمان حیات خودش اینها را شکست داد. پس از شهادت هم دشمنان را شکست داد. این تشییعی که در ایران شد، تشییع عجیب و واقعاً فراموش‌نشدنی‌ای

[بود]؛ و همچنین تشییع میلیونی‌ای که در عراق شد؛ در نجف، در بغداد ایشان تشییع شد، تشییع میلیونی عجیبی؛ ایشان و شهید ابومهدی مهندس با همدیگر تشییع شدند. در واقع این تشییع، و بعد بزرگداشت‌ها، ژنرال‌های جنگ نرم استکبار را متحیر کرد. اینهایی که در جنگ نرم استکبار برجسته‌اند و در واقع آنها هستند که دارند فعالیت میکنند و ژنرال‌های جنگ نرم آمریکا و استکبار هستند، اصلاً متحیر ماندند که این چه وضعی است. این که بود، این چه بود. این چه حرکت عظیمی است که آنها را شکست داد. » بیانات معظم له ۱۳۹۹/۰۹/۲

بنابراین همانطوریکه در صحبت‌های مقام معظم رهبری نیز آمده بود، سردار سلیمانی نمونه بارز و نماد مبارزه با استکبار جهانی چه در زمان حیات شریفش و چه پس از شهادتش بود و به اذعان بسیاری از کارشناسان شهادت سردار دلها تمامی آزادگان جهان را برای مبارزه بی‌امان با استکبار جهانی و در راس آنها آمریکای جنایتکار بیش از پیش تشویق کرد بطوریکه ملاحظه میشود در دو سالی که از شهادت سردار می‌گذرد، نیروهای آمریکایی در انزوای کامل در منطقه قرار گرفتند و شکست‌های فزاینده باری در بعضی از کشورها از جمله افغانستان متحمل شدند.

نتیجه گیری :

امام خمینی (ره)، را بحق بزرگترین احیاگر دین و تفکر دینی و سیاست دینی و معنویت در جهان معاصر و معمار و پایه گذار انقلاب اسلامی ایران و انقلاب‌های اسلامی آینده در سطح دنیای اسلام دانست. او در فلسفه و عرفان، شعر و ادب، فقه و تفسیر قرآن، کلام و سیاست و کلاً معارف اسلامی خبره و صاحب‌نظر بود. او با دیدی عقلی، استدلالی، اجتهادی و نوآورانه و باهوشیاری، شجاعت و درایت تمام، متوجه حال و آینده بود. مکتب و مرام آن حضرت به نظر می‌رسد که عمیقاً و اساساً عرفانی و تربیتی و در عین حال فلسفی و تعلیمی و نیز اصولی و عملی بود، و به همین خاطر به نظر محض و عقل و استدلال خشک و آموزش و تعلیم در حوزه‌ها و مدارس اکتفا نکرده و متوجه تزکیه قبل از تعلیم و عمل و حکمت علمی هم بود. همچنین می‌توان گفت همانطور که ملاصدرا در نظر بین فلسفه و عرفان و بین حوزه‌ها و مشربها و روشهای مختلف فکری و فلسفی جمع زد، امام خمینی(س) هم این جامعیت را داشت و آن را به صحنه سیاست و اجتماع کشانید و پیامبر گونه از خواص به عوام و توده مردم منتقل کرد و در یک کلام این مکتب سرشار از عقلانیت و معنویت است. از سویی دیگر کسانی که از مکتب این انسان استثنایی تاسی کردند نیز جامع‌الاطراف بوده و همانند پیرو مراد خود جامع همه فضایل و آموزه‌های دینی بودند و نمونه بارز آن سردار شهید حاج قاسم سلیمانی است که به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی «او نمونه‌ای برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی بود، او همه‌ی عمر خود را به جهاد در راه خدا گذرانید. شهادت پاداش تلاش بی‌وقفه‌ی او در همه‌ی این سالیان بود.» 13/10/98

مکتب امام راحل دربرگیرنده مولفه‌هایی همچون علم، ایمان و خودباوری است که شهید سلیمانی در هر سه مقوله به اوج رسید و به الگویی والا برای انسان‌های آزادی‌خواه و پیرو مکتب حق تبدیل شد. تجلی حضور قلبی و روحانی مردم در تجلیل و تکریم از حاج قاسم و توجه به نقطه اتصال مردم با حقیقت شعارهای انقلاب اسلامی را می‌توانیم رویش معرفتی جدید نسبت به فصل تازه انقلاب اسلامی بدانیم. مردم هر جا دیدند که شعارهای انقلاب اسلامی که برگرفته از مکتب امام راحل است، همراه با عمل پُررنگ هست به همانجا توجه پیدا می‌کنند. شعارهایی که عملیاتی، عینی و عملی هست و لقلقه زبان نیست. شعارهایی که استقلال و مقاومت و ایثار و مردم‌مداری را مورد توجه قرار می‌دهند. همانگونه که رهبر معظم انقلاب هم فرمودند بحث حاج قاسم یک بحث بسیار مهمی هست که باید آن را در قالب یک مکتب دید. ما حاج قاسم را باید در چهارچوب مکتب امام خمینی (ره) و منطق انقلاب اسلامی فهم کنیم. حتی نه یک بار فهم بلکه به صورت مضاعف آن را بفهمیم و این فهم مضاعف می‌تواند بعد از چهل سال با همه مشکلات و کژکارآمدی‌های مدیریتی، با این همه تهاجم مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، تحریم‌های بین‌المللی، دوباره انقلابی دیگر در ایران را آغاز کند و آن انقلاب قلب‌ها و دل‌ها نسبت به تکریم خط جریان اصیل انقلاب اسلامی هست که رفاه، امنیت، آزادی و استقلال را مورد توجه قرار می‌دهد.

منابع و مأخذ :

- صحیفه امام خمینی (ره) جلد 4 و 5 و 12 و 13 و 15
- بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ 13/10/98 - 2/9/99 - 18/10/98 - 26/9/99 - 29/11/98 - 1/10/99 - 27/10/98
- مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، استاد شهید مطهری ، ص 46- 54
- کتب و مرام امام خمینی(س) ، دکتر سید احمد موثقی . پورتال امام خمینی
- مکتب حاج قاسم - گفتگو با حجت الاسلام پناهیان - پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای
- وصیت نامه شهید سلیمانی ، بنیاد حفظ و نشر آثار شهید سلیمانی
- ارائه الگوی اخلاقی و اعتقادی مدیران از منظر شهید سلیمانی ، علی معظمی گودرزی ، 1399
- اصول مکتب شهید سلیمانی در چهارده روایت ، محمد علی ظهوریان ، 1399
- سخنرانیها و گفتارهای ائمه جمعه و جماعات و کارشناسان سیاسی و نظامی در خصوص شخصیت شهید سلیمانی در ابعاد گوناگون